

فراتر از خبر

گزارش يك دادرسى؛ پرونده اكباتان چگونه رقم خورد؟

فرشته قاضى

۱۴۰۳/آذر/۰۷



در اين گزارش ويژه به بررسى پرونده اكباتان مى پردازيم كه براساس تحقيقات و يافته هاى راديو فردا از منابع مطلع، دادنامه و دو راي ۳۰ صفحه اى صادر شده براى پرونده اكباتان كه به دست راديو فردا رسيده و سخنان يكي از وكلاى پرونده در اتاق مجازى گروه حقوقى دادبان در شبكه اجتماعى ايكس (تويتر سابق)، تهيه شده است؛ پرونده اى با دو راي متعارض در شعبه ۱۳ دادگاه كيفرى يك استان تهران.

در جريان اعتراضات «زن، زندگى، آزادى» در سال ۱۴۰۱ يك بسيجى به نام «آرمان على وردى» روز چهارم آبان در شهر اكباتان تهران، «ضرب و جرح» شد و دو روز بعد، ششم آبان، در بيمارستان بقيه الله تهران جان باخت.

شهر اكباتان يكي از مناطق اصلى اعتراضات مردمى به جان باختن مهسا ژينا امينى در بازداشت گشت ارشاد بود. اعتراضاتى كه با عنوان «زن، زندگى، آزادى» شناخته مى شود.

سه روز بعد، ۱۱ آبان، تصاوير ميلاد آرمون، متهم ردیف اول پرونده اكباتان، منتشر شد در حالى كه ماسك صورت را روى چشمانش كشيده بودند و در مقابل دوربين رسانه هاى حكومتى و حسين رحيمى، فرمانده انتظامى استان تهران، تاكيد كرد كه چاقو نداشته و مرتكب اين اقدام نشده است.

حسین رحیمی اما دستی بر شانه او زد و بی‌توجه به پاسخ‌های متهم، او را «یکی از عوامل اصلی که چاقو می‌زد» معرفی کرد.

دو سال بعد؛ شش متهم پرونده اکباتان روز ۲۳ آبان ۱۴۰۳ به قصاص نفس محکوم شدند. وکلای پرونده اعلام کردند که رئیس شعبه با این حکم مخالف بوده و رای اقلیت صادر کرده است.



↓ لینک مستقیم ✓

↗ بازکردن در پنجره جدید

دو رای متعارض در یک شعبه

اما ۳۰ صفحه دادنامه و دو رای که به دست رادیوفردا رسیده، چه می‌گوید؟

اعترافات اجباری علیه خود و علیه دیگر متهمان پرونده مبنای صدور حکم قصاص از سوی مستشاران دادگاه کیفری بوده است.

احسان شیخ الحکمایی و سعید شرافتی دو مستشار جدید این پرونده هستند که با استناد به گزارش‌های سازمان حفاظت اطلاعات نهاجا (نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی)، اداره دهم پلیس آگاهی تهران، سازمان اطلاعات سپاه تهران، سازمان اطلاعات سپاه خوزستان بر مبنای اعترافات اجباری متهمان علیه خود و یکدیگر، ۲۳ آبان ۱۴۰۳ حکم به قصاص دادند.

تحقیقات رادیوفردا نشان می‌دهد متهمان این پرونده در بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه، پلیس آگاهی و در یک مورد در بازداشتگاه حفاظت اطلاعات نهاجا، در سلول‌های انفرادی و ایزوله کامل نگهداری شده و تحت شکنجه جسمی و روحی قرار گرفته‌اند. شکنجه‌هایی که منجر به اعتراف علیه خود و دیگران شده است.

در متن رای قصاص صادر شده توسط مستشاران هم به وضوح آمده که متهمان در جلسات دادگاه، اعترافات اجباری علیه خود را رد، مشارکت در قتل را انکار و تاکید کرده‌اند که مجبور به اعتراف علیه خود شده بودند.

به عنوان نمونه؛ علیرضا کفایی در دادگاه گفته بود به خاطر کتک زیادی که در شاپور-اداره آگاهی- خورده، مجبور شده بگویم که آرمان علی‌وردی را با سنگ زده است. نوید نجاران هم در دادگاه گفته بود: «بازجو اصرار کرد که من لگد زده‌ام و مرا مجبور کردند که لگد را بنویسم.»

امیرمهدی خوش‌اقبال از اعتراف به «ترس» نوشته و دیگر متهمان هم به همین ترتیب، در دادگاه، اعترافات علیه خود را رد کرده‌اند.

با این حال دو مستشار که در هیچ یک از جلسات رسیدگی به این پرونده حضور نداشتند در رای خود نوشته‌اند که متهمین «با قصد مقابله و براندازی نظام اسلامی سعی به از میان برداشتن ایشان-آرمان علی‌وردی- می‌نمایند و هجوم وحشیانه و ضرب‌وجرح متعدد به نقاط مختلف بدن از جمله سر مرحوم و یا

سایر نقاط بدن که منجر به ضربه به سر مرحوم شده جز قصد قتل ایشان چیزی را به ذهن متبادر نمی‌نماید.»

آن‌ها، میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی و علیرضا برمرزپورناک را به «قصاص از طریق آویختن به چوبه دار با رد تفاضل دیه در حق هر یک از متهمان قبل از اجرای قصاص» و همچنین پرداخت دیه بابت صدمات غیر موثر در قتل محکوم کرده‌اند. نوید نجاران را از حیث جنبه عمومی به یک سال حبس تعزیری هم محکوم کرده‌اند.

رضا شفاخواه، یکی از وکلای پرونده، روز ۲۴ آبان در اتاق مجازی گروه حقوقی دادبان توضیح داد که «هیئت رئیسه قبلی -مستشاران سابق- با زعامت آقای خلیلی -رئیس شعبه- متوجه شده بودند که نمی‌شود قتل را به متهمین منتسب کرد و ضرباتی که وارد شده به هیچ عنوان ضربه‌ای نبوده که حتی بخواهد جراحتی وارد کند.»

«ضابطین یا هر قوای دیگری که اسمش را می‌گذارید قوای مافوق، قوای فراقانونی، قوایی که زورشان از ما بیشتر است دو مستشار دادگاه را تغییر می‌دهد برای این‌که نظر آقای خلیلی به عنوان رئیس دادگاه در اقلیت برود و دو مستشاری که مورد تایید خودشان است می‌آیند در این پرونده و این رای را می‌دهند. رای که خودشان می‌خواستند صادر شود. رای که رای سیاسی است. رای که فقط جوانب سیاسی دارد و صحبتی از حق و عدالت و انصاف نیست.»

محمد مهدی حسینی، مهدی ایمانی، امیرمهدی رضایی، عرفان رضایی و یاسمین دشتانی، دیگر متهمان این پرونده از اتهامات خود تبرئه شده‌اند.

شش متهم ردیف اول تا ششم هم از اتهامات دیگر تبرئه شده‌اند با این عنوان که کیفرخواست صادره خطاب به دادگاه انقلاب اسلامی، با «عناوین مجرمانه محاربه و اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی» مطابقت داشته و از آن جهت قابل رسیدگی است و افراد را نمی‌توان به دلیل ارتکاب یک فعل با دو عنوان مجرمانه مجازات کرد.

پرونده میلاد آرمون، محمد مهدی حسینی، مهدی ایمانی و نوید نجاران با همین اتهامات در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب هنوز مورد رسیدگی قرار نگرفته است.



📌 [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

رای اقلیت چه می‌گوید؟

اما در همین پرونده در دادگاه کیفری، اصغر خلیلی، رئیس شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران که در هفت جلسه به این پرونده رسیدگی کرده، رای جداگانه‌ای صادر کرده و با مخالفت با حکم قصاص نوشته است که در این پرونده ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی لحاظ شود.

ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت، مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند.»

آقای خلیلی در رای صادره خود، میلاد آرمون، علیرضا کفائی و امیرمحمد خوش اقبال را به پرداخت «دیه نفس مقتول» و پنج سال حبس تعزیری محکوم کرده و رای به تبرئه دیگر متهمان پرونده داده است.

رئیس شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران در رای خود نوشته است که اعترافات متهمان علیه خود و دیگران نمی‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد؛ «نمی‌توان اظهارات متهمان در مرجع انتظامی را به صورت صرف مبنای صدور حکم قرار دهیم و بایستی این اظهارات با سایر قرائن و امارت موجود و منعکس در پرونده مطابقت داشته باشد و همچنین نمی‌توان اقرار متهمان در خصوص سایر متهمان را مبنای صدور حکم قرار دهیم و اقرار صرفاً در حق مقرر اعتبار دارد و نسبت به سایر اشخاص اعتباری ندارد.»

در رای صادر شده توسط آقای خلیلی تصریح شده که «پزشکی قانونی در مراحل مختلف، علت تامه فوت را خون‌ریزی مغزی به دنبال اصابت جسم سخت به سر اعلام نمودند. مطابق تحقیقات انجام‌شده این امر ثابت می‌باشد که مرحوم ابتدا در پارکینگ بلوک ۴۱ مورد هجوم مهاجمین قرار گرفته و در این مرحله تعداد افراد زیادی، شهید را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند و حتی در تصاویر ارائه‌شده مشخص است که فردی با سنگ بزرگ ضربه محکمی به ناحیه پیشانی شهید می‌زنند ولی با این اوصاف، ادله کافی در جهت احراز این موضوع که کدام ضربات موجب مرگ و خون‌ریزی مغزی شده است موجود نمی‌باشد و این موضوع مورد شبهه می‌باشد.»

رضا شفاخواه، یکی از وکلای پرونده اکباتان، در اتاق مجازی دادبان گفته است که هیچ کدام از متهمان پرونده، متهم به قتل آرمان علی‌وردی نیستند و نهایتاً به ارتکاب ضربات غیرمؤثر در فوت، متهم هستند.

او خواستار محاکمه فرمانده آرمان علی‌وردی شده است: «اگر قرار باشد کسی محاکمه شود، فرماندهی است که آقای آرمان علی‌وردی را بدون آموزش و بدون تدابیر ویژه به کار گرفته و نیروی کاملاً غیرآماده را برای امر پیچیده اطلاعاتی، تحت عنوان ر صد و شناسایی معترضان به میان جمعیت خشمگین فرستاده است.»

بیشتر در این باره:

افراد ناشناس نام شهرک اکباتان تهران را به اسم یک طلبه بسیجی تغییر دادند



تحقیقات رادیوفردا نشان می‌دهد که به‌رغم احضارهای چندباره از سوی بازپرس شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران، هیچ یک از فرماندهان بسیج و سپاه که مسئولیت سرکوب اعتراضات اکباتان را برعهده داشتند در این شعبه حضور نیافته‌اند. دو فرمانده نظامی به عنوان مطلع به این شعبه احضار شده بودند.

آرمان علی‌وردی، طلبه ۲۱ ساله حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی و بسیجی یگان امنیتی امام رضا سپاه محمدرسول الله، ساکن محله شهران تهران بود که تصاویری از «ضرب و جرح» او در شهرک اکباتان که منجر به قتل او شد منتشر شده است.

آن‌طور که رضا شفاخواه، وکیل پرونده اکباتان به نقل از بسیجیانی که با آرمان علی‌وردی بوده‌اند توضیح داده است، مقتول روز چهارم آبان ۱۴۰۱ از حوزه علمیه به قصد سرکوب به اکباتان فراخوانده می‌شود و همراه با چهار نفر دیگر برای شناسایی لیدرهای معترضین به میان مردم معترض فرستاده می‌شود.

او به نقل از یکی از افراد بسیجی در پرونده گفته که این پنج نفر بعد از بازگشت به فرمانده خود می‌گویند که با بیش از ۲۵۰۰ معترض مواجه هستند اما فرمانده باز از آن‌ها می‌خواهد که به میان معترضان برگردند با این عنوان که «برگردید تا ما حمله کنیم این‌ها را سرکوب کنیم و شما لیدرها را بازداشت کنید.» این بار این پنج نفر که چهره‌های مشخص بسیجی داشتند توسط مردم شناسایی می‌شوند و بیش از ۲۰۰ نفر آرمان علی‌وردی را دنبال می‌کنند.

او ابتدا در پارکینگ ۴۱ شهرک اکباتان توسط عده‌ای از معترضان، ضرب و جرح می‌شود و سپس با کمک یکی از متهمان پرونده اکباتان تا ابتدای خیابان ورزش، مقابل باشگاه پاس می‌رود.

«در پارکینگ ۴۱ آقای آرمان علی‌وردی فقط از سوی مردم ضرب و شتم می‌شود و بلند می‌شود با کمک یکی از متهمین همین پرونده، تا سر خیابان ورزش می‌رود تا به جمع نیروهای نظامی بپیوندد و آن‌جا توسط عده‌ای که از روبرو می‌آمدند و صورتشان را پوشانده بودند گیر می‌افتد و یک نفر با سنگ بسیار بزرگی بر سر او می‌زند. پزشکی قانونی مشخصاً نوشته که شدت ضربات وارده بر سر. بنابراین دادگاه و دادسرا در خصوص متهمان قسمت دوم که خیابان ورزش باشند تحقیقی به عمل نیاورد و اصلاً از آن مرحله ما متهمی نداریم. چه کسانی را داریم؟ همه آن‌ها که در پارکینگ ۴۱ در دوربین‌های مداربسته حضور دارند.»

روند دادرسی چگونه بود؟

رضا شفاخواه، یکی از وکلای پرونده اکباتان در اتاق مجازی گروه حقوقی دادبان در شبکه ایکس گفته است که «تعادل قدرت در طرفین این پرونده وجود ندارد».

به گفته او، به‌رغم این‌که وکلا در مرحله دادسرا حضور داشتند اما پرونده، تحت تعالیم ضابطین پیش رفته و هرکاری که ضابطین خواستند با پرونده کردند: «مستشارانی که کاملاً به پرونده مسلط بودند و هفت جلسه دفاعیات را شنیدند را کنار گذاشتند و این دو مستشار را آوردند. این روند فراقانونی و غیرقانونی و دخالت دست‌های قدرت است. از رویکرد نیروی انتظامی تا سخنان رهبری تا رفتن به بیت رهبری تا سخنان عجمیان و خونخواهی او درباره این‌که در پرونده آرمان چرا کاری نمی‌کنند، چرا اعدام نمی‌کنند، همه فشارهایی بود که پرونده را از جریان حقیقی و حقوقی خود خارج کرد.»

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی عمومی از آرمان علی‌وردی به عنوان «آرمان عزیز» نام برد و گفت: «آن طلبه جوان و متدین و حزب‌اللهی، آرمان عزیز که در تهران زیر شکنجه به شهادت رسید و پیکر او را در خیابان رها کردند، چه گناهی کرده بود؟ افرادی که این جنایت‌ها را انجام می‌دهند چه کسانی هستند و از کجا دستور می‌گیرند؟ البته این‌ها قطعاً بچه‌ها و جوان‌های ما نیستند، باید عاملان این جنایت‌ها شناسایی شوند و هر کسی که ثابت شود در این جنایت‌ها همکاری داشته است، بدون تردید مجازات خواهد شد.»

تصاویری از دیدار خانواده آرمان علی‌وردی با رهبر جمهوری اسلامی هم بارها در رسانه‌های حکومتی منتشر شده است.

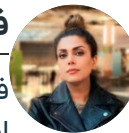
در این مدت رسانه‌های ایران بارها از نامگذاری اتوبان و باشگاه مترو به اسم آرمان علی‌وردی خبر دادند و برای او آرامگاه مجازی ایجاد شده، کتاب و زندگینامه نوشته شده و همه امکانات حکومتی برای بزرگداشت نام او به کار گرفته شده است. رضا شفاخواه، یکی از وکلای پرونده گفته است که همه این اتفاقات در جریان دادرسی اتفاق می‌افتاد.

«ما با یک شرایط برابر مواجه نیستیم. تساوی بین موکل من و طرف مقابل ایجاد نشده. طرف مقابل از یک امتیاز ویژه‌ای برخوردار بوده. مگر اصل رسیدگی قضایی برابری انصاف و بی‌طرفی نیست؟ یعنی نباید فرقی بین خون آقای آرمان علی‌وردی و خون میلاد آرمون و بقیه بچه‌ها بگذارد. در این پرونده دادرسی منصفانه در جریان نیست.»

وکلاي پرونده اکباتان در مصاحبه با رسانه‌های داخل ایران و همچنین انتشار پست‌هایی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده‌اند که در دیوان عالی کشور تقاضای فرجام‌خواهی خواهند کرد.

پرونده‌ای که در یک طرف، آرزو فروغی و عزت‌الله علی‌وردی، مادر و پدر آرمان علی‌وردی به عنوان شاکی حضور دارند با پشتوانه حکومت که فرزندشان را «شهید» نامیده و در دیگر سو، متهمان جوانی که به گفته وکلایشان و همچنین براساس رای رئیس شعبه کیفری استان تهران، هیچ کدام متهم به «قتل» آرمان علی‌وردی نیستند.

فرشته قاضی



فرشته قاضی از پاییز ۹۹ به تحریریه رادیوفردا پیوست. او که بیش از دو دهه سابقه روزنامه‌نگاری دارد، در ایران به ویژه در حوزه سیاست داخلی، دولت و مجلس، فعالیت می‌کرد. در یک دهه گذشته نیز پس از خروج از ایران او با روزآنلاین، یورونیوز، و بی‌بی‌سی فارسی همکاری می‌کرد که محصول این دوره صدها گفت‌وگو و گزارش اختصاصی مرتبط با سیاست داخلی و حقوق بشر در ایران است.

این مطلب بخشی از:

اعدام‌ها در ایران

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی